

بررسی تطبیقی علل پیدایش رمان نویسی در ایران و مصر

مهین دخت فرخ‌نیا*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۵

فرزانه بوریازاده**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۶

چکیده

یکی از زمینه‌های پژوهشی ادبیات تطبیقی، بررسی بستر تکوینی انواع ادبی و چگونگی رشد و گسترش آنهاست. ادبیات داستانی، به‌ویژه رمان‌نویسی یکی از زمینه‌های جالب توجه و مهم در عرصه پژوهش‌های تطبیقی است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تهیه شده، علل پیدایش رمان‌نویسی در ایران و کشور مصر که مهم‌ترین حوزه ادبیات داستانی ادبیات عرب محسوب می‌شود، بررسی شده است. این بررسی به‌منظور پاسخ دادن به این پرسش انجام شده که آیا در بین علل شکل‌گیری رمان در دو کشور می‌توان به علل مشترک دست یافت و در صورت وجود چنین عواملی، دلایل این اشتراک چیست؟

رمان به‌شیوه امروزی آن در ایران و مصر، کمابیش، هم‌زمان و در نیمه دوم قرن نوزدهم به‌وجود آمده است و به دلیل شرایط یکسان سیاسی-اجتماعی و شروع نهضت‌های تجددخواه، عوامل مشترکی در پیدایش رمان‌نویسی در هر دو کشور نقش داشته‌اند. در این جستار، علل مشترک پیدایش رمان؛ از جمله پیدایش صنعت چاپ، تأسیس مراکز علمی، ترجمه و تأثیرپذیری از فرهنگ غرب و به‌وجودآمدن طبقه روشنفکر، توصیف و تحلیل شده و نخستین آثار مهم در این دو بستر فرهنگی معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، علل پیدایش رمان، رمان‌نویسی، ایران، مصر.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان (استادیار).

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات تطبیقی (نویسنده مسئول).

مقدمه

ادبیات تطبیقی «آزمودن و تحلیل ارتباطها و همانندی‌های ادبیات اقوام و ملل گوناگون است. مطالعه تطبیقی ادبیات، مثل مطالعه تطبیقی مذاهب، کار نسبتاً تازه‌ای است و قبل از قرن نوزدهم به ندرت سابقه‌ای از آن وجود دارد» (کادن، ۱۳۸۰: زیر comparative literature). «محمد غنیمی هلال»، ادبیات تطبیقی را دارای دلالت و مفهومی تاریخی ذکر می‌کند و موضوع تحقیق در این علم را عبارت می‌داند از؛ پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب در گذشته و حال، و به‌طور کلی ارائه نقشی که در پیوندهای تاریخی تأثیر و تأثر داشته است، چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی و چه از دیدگاه جریان‌های فکری (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۳۲).

زبان و ادبیات فارسی و عربی در عرصه ادبیات تطبیقی، همواره شاهد بیشترین تأثیرات متقابل در یکدیگر بوده و به‌شیوه‌های گوناگون با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. وجوه مشترک اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌ساز این پدیده در ادبیات کلاسیک و نیز در ادبیات معاصر این دو زبان بوده است. یکی از این وجوه مشترک، شرایط یکسان اجتماعی و فرهنگی و همانندی عوامل پیدایش ادبیات داستانی به‌ویژه رمان‌نویسی است. در این مقاله، به علل تکوینی رمان‌نویسی در ایران و کشور مصر که مادر داستان‌نویسی دنیای عرب است، اشاره می‌شود و اشتراکات این دو حوزه فرهنگی در این زمینه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

تاکنون آثار متعددی در مورد چگونگی شکل‌گیری رمان و ادبیات داستانی در ایران نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: پیدایش رمان فارسی (۱۳۷۷) اثر کریستف بالایی؛ نیز با همین نام (۱۳۸۶) اثر عبدالعلی دستغیب؛

رمان و رمان‌نویسی در ایران (۱۳۸۰) اثر آذر نفیسی؛ همچنین مقاله «پیدایش و تکوین رمان فارسی» (۱۳۸۸) اثر فرامرز خجسته، که در نشریه تاریخ ادبیات فارسی، شماره ۵۹/۳ به چاپ رسیده است. کتاب‌ها و مقاله‌هایی نیز دربارهٔ مراحل تکوین رمان در کشورهای عربی از جمله، کشور مصر نوشته شده است. از آن جمله است: تطور الروایه العربیه الحدیثه فی مصر (۱۹۸۶) اثر عبدالمحسن طه بدر؛ بواکیر الروایه، دراسه فی تشکیل الروایه العربیه (۲۰۰۷م) اثر محمد سید عبدالقواب، و نیز نگاهی به داستان معاصر عرب (۱۳۷۷) اثر سیدحامد نساج با ترجمه محمد جواهر کلام. اما تاکنون پژوهش مستقلی در مورد تطبیق و مقایسهٔ عوامل پیدایش رمان‌نویسی در این دو بستر فرهنگی و تعیین و تبیین عوامل مشترک موجود در این زمینه، صورت نگرفته است.

۱. تعریف رمان

رمان^۱ یکی از انواع ادبیات داستانی است که به دلیل وسعت و تنوع بسیاری که دارد، ارائهٔ تعریفی جامع از آن دشوار است. «بورنوف رولان» از منتقدین غربی در کتاب «جهان رمان» اذعان می‌دارد که هر یک از تعاریف ارائه شده از رمان در طول چهار قرن گذشته، با آن تصویری هم‌خوانی دارد که نظریه‌پردازان در عصر خود از رمان داشته‌اند (بورنوف، اوئله، ۱۳۷۸: ۲۳). در فرهنگ «وبستر»، رمان چنین تعریف شده است: «رمان، داستان بلند، بیان نقلی متشوری است با تفصیلات درخورتوجه و بغرنج معینی که به‌طور تخیلی با تجربهٔ انسانی سروکار دارد و وسیلهٔ توالی پیوستهٔ رویدادهایی که دربردارندهٔ گروهی اشخاص در فضایی معین است» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۹، به نقل از وبستر، ۱۵۴۶: ۲). ویژگی وسیع بودن این نوع ادبی (رمان) به آن مجال می‌دهد تا عناصر متعدد و تقریباً تمام انواع ادبی، حتی دیگر هنرها را در خود جذب کند و در یک کلام؛ بی‌مرز بودن، درواقع، زمینه را برای موفقیت رمان فراهم می‌کند (بورنوف و اوئله، ۱۳۷۸: ۲۱).

۲. پیشینهٔ رمان

رمان، فرم جدید داستانی هرگز سابقه‌ای طولانی نداشته است. تاریخ پیدایش و ظهور آن در ادبیات جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند. «در قرن شانزدهم در اسپانیا روایت‌های «پیکارو» به وجود آمد. این نوع ادبی به داستان‌هایی اطلاق می‌شود که قهرمان آن، انسانی فریب‌کار و بی‌توجه به قوانین است؛ که در طول ماجراهای داستان تغییر چندان نمی‌کند. مشهورترین نمونهٔ پیکارسک «ژیل بلاس» اثر نویسندهٔ فرانسوی «لوساژ» است. در بسیاری از رمان‌هایی که در ادوار بعدی نوشته شده، می‌توان نشانه‌های تداوم داستان‌های پیکارسک را دید. در واقع تکامل رمان‌نویسی به آثاری که به شیوهٔ داستان‌های پیکارسک نوشته می‌شد، بسیار مدیون است» (برادبری، ۱۳۷۴: ۱۱). بیشتر منتقدان، نقطهٔ شروع رمان را شکل‌نویسی در ادبیات «دن کیشوت» اثر «سروانتس» (۱۶۰۵م) می‌دانند که به دلیل فرم خاص روایتی، سرآغاز رمان را شکل می‌دهد. «دن کیشوت»، ضد رمانس است. اثری است حاوی طنز اجتماعی که قهرمان آن از حقیقتی به حقیقت دیگر پی می‌برد. پیش‌از آن، رمانس‌هایی وجود داشت که از نظر فرم و محتوا، ساختمان کاملاً متفاوتی با رمان داشتند.

حرکت روبه‌پیش رمان، بعد از «سروانتس» با «دانیل دفو»، «ساموئل ریچاردسون» و «فیلدینگ» ادامه می‌یابد؛ که هر یک به شیوهٔ خاص خود و با استفاده از طرح‌های «غیرسنتی» به استمرار این حرکت کمک می‌کنند. اثر مشهور «دانیل دفو» «رابینسون کروزوئه» نخستین رمان بزرگ در ادبیات انگلیسی است که بر مبنای رویدادی واقعی آفریده شد. «ریچاردسون» نیز با نگارش رمان «پالما» که رمانی مکاتبه‌ای است و آن را از طرح‌های سنتی متمایز می‌کند خود را در ردیف اولین رمان‌نویسان جهان قرار داده است (الشکری، ۱۳۸۶: ۹۸). شهرت «هنری فیلدینگ» در نزد بزرگان ادب، والا بود. مشهورترین اثر ادبی او «تام جونز» نام داشت. «بایرون»، وی را «هومر» نثرنویس و نویسندهٔ طبیعت انسانی می‌خواند (همان: ۱۱۵). بعداز آن با پیدایش طبقهٔ متوسط و رشد آن، در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، رمان با آثار نویسندگانی چون «دیکنز» و «بالزاک»

به اوج خود رسید. همین‌طور «استاندال»، «فلوبر» و «زولا» در فرانسه، «هائورن»، «هنری جیمز» و «ملویل» در آمریکای شمالی و «گوگول»، «تورگنیف»، «داستایفسکی» و «تولستوی» در روسیه، رمان را به اوج اقتدار خود رساندند. با آغاز قرن بیستم، تحول نوینی در رمان‌نویسی پدید آمد و نثر با شعر پیوند یافت که «پروست»، «جویس»، «وولف» و «فاکنر» از طلایه‌داران این تحول به‌شمار می‌روند. بنابراین رمان در هر مرحله از تاریخ خود کوشیده تا انسان را در برابر فراموشی هستی مصون نگه دارد (کوندرا، ۱۳۶۶: ۱۵).

۳. پیدایش و تکوین رمان در ایران و مصر

اگر شرایط متعدد اقتصادی، جامعه‌شناختی، فلسفی، تاریخی و روان‌شناختی برای پیدایش و گسترش رمان در ادبیات غرب ضروری بوده است؛ انتقال یا پیدایش آن به هر ادبیات دیگری تنها با فراهم بودن شرایطی بیش‌وکم مشابه ممکن می‌شود. «توجه به مطالعاتی که تکوین گفتمان ادبی روایی را در ادبیات کشورهای همسایه ایران بررسی کرده‌اند، ثابت می‌کند که عوامل تعیین‌کننده مشترکی در پیدایش رمان دخیل است. رمان تقریباً به‌طور هم‌زمان در ادبیات عربی، ترکی، پنجابی و فارسی ظهور می‌کند» (بالایی، ۱۳۷۷: ۹).

پیدایش رمان فارسی از اواخر سده نوزدهم و حتی اوایل سده بیستم چندان عقب‌تر نمی‌رود. اگرچه برخی از محققان می‌کوشند تا پیدایش و تکوین رمان فارسی را به‌نحوی از انحاء، صرفاً به تاریخ طولانی نثر فارسی و تحول آن ربط دهند؛ کاملاً آشکار است که تحول تدریجی نثر فارسی، بدون نفوذ عوامل خارجی، نمی‌تواند ظهور نوع ادبی جدیدی چون رمان را توضیح دهد. نفیسی براین عقیده است که: «رمان فارسی نوع ادبی وارداتی است و علی‌رغم وجود ضرورت و ربطش با نیازهای ایران در زمان پیدایش آن، رمان از سنت‌های ادبی ایران برنخاسته؛ بلکه عمدتاً به‌عنوان محصول ترجمه در نظام ادبی فارسی پدیدار شده است» (نفیسی، ۱۳۸۰:

۲۱۳). البته باید به این نکته توجه داشت که بدون آمادگی داخلی و بحران در کارآیی قراردادهای و انواع ادبی پیشین، عامل خارجی چندان موثر نمی‌افتد.

دربارهٔ پیدایش رمان عربی در مصر سه نظریهٔ انتقادی بیان شده است:

۱. نظریهٔ کسانی که تأثیر ادبیات غرب را بر ادبیات عربی، پُررنگ جلوه می‌دهند. از جمله طرفداران این نظریه از میان مستشرقین؛ «گیب»، «کولین بالی» و از ناقدان عرب «لویس عوض» و... را می‌توان نام برد. اینان معتقدند که رمان عربی تنها با تأثیر مستقیم و جدی از ادبیات غرب به‌ویژه ادبیات فرانسوی، انگلیسی و روسی پدید آمده است. به عقیدهٔ اینان، این موضوع که تمام پیشگامان رمان همچون «هیگل»، «حکیم»، «طه حسین»، «عقاد»، «فرید ابوحدید» و «جرجی زیدان» از فرهنگ اروپایی بسیار غنی بهره‌مند بوده‌اند و حتی تعدادی از آنان به کشورهای اروپایی رفته و در آن‌جا رمانشان را نوشته‌اند؛ نظریهٔ آنها را تأیید می‌کند.

۲. نظریهٔ کسانی همچون «مصطفی صادق الرافیعی»، «احمد زیات»، «طه حسین» و «عبدالحمید یونس» که به میراث ملی و اندیشهٔ عربی سخت پایبندند و بدان تعصب می‌ورزند. آنها معتقدند پیدایش رمان جدید عربی در درجهٔ نخست به میراث اصیل عربی و مردمی برمی‌گردد و احساسات ملت عرب، حتی پیش‌از اسلام به حکایت تمایل داشته و شنیدن اخبار و روایات را دوست داشته‌اند که با ظهور اسلام، این گرایش شدیدتر شده است؛ زیرا قرآن به داستان اهمیت بسیار می‌داده است. سورهٔ قصص در قرآن شاهد این مدعاست.

۳. دیدگاه واقع‌گرا و سازشکارانه‌ای که معتقد است نوشته‌های ادبی، پدیده‌هایی پیچیده هستند و یک عامل به تنهایی ممکن نیست یک پدیدهٔ ادبی یا غیرادبی را به وجود آورد. پس بهتر است بگوییم رمان جدید عربی در مصر و دیگر سرزمین‌های عربی در نتیجهٔ تعامل سازندهٔ میراث ملی همراه با اثرپذیری از ادبیات اروپایی شکل گرفته است. یعنی دو عامل (اصیل و دخیل) در پیدایش رمان، مؤثر بوده است (وادی، ۱۹۷۲م: ۲۰).

بنابراین می‌توان گفت؛ پیدایش رمان فارسی و عربی معلول یک علت نیست و به زمینه‌ها و دلایل چندگانه‌ای بستگی داشته است. با بررسی منابع مربوط به تاریخ ادبیات معاصر این دو منطقه می‌توان از عوامل زیر به‌عنوان مهم‌ترین زمینه‌های مشترک پیدایش رمان در ایران و مصر نام برد.

الف) توجه به مدرنیته و پیدایش طبقه روشنفکر

بر اساس تئوری مدرنیته، انسان عصر مدرن با یگه‌تازی خرد انسانی در همه حوزه‌های اندیشه و حتی آن حوزه‌هایی که پیش‌تر ناندیشیدنی به‌شمار می‌آمدند، در پی تغییر محیط زندگی‌اش برآمد. «ساموئل هانتینگتون» گفته است: «مهم‌ترین تفاوت انسان نوین با انسان سنتی، دیدگاه او نسبت به انسان در رابطه با محیطش است. در جامعه سنتی، انسان، محیط طبیعی و اجتماعی‌اش را به‌عنوان یک واقعیت طبیعی می‌پذیرد... نوین‌شدگی، زمانی آغاز می‌گردد که انسان‌ها در خودشان احساس توانایی کنند... و این اندیشه را در سر پیروانند که می‌توانند طبیعت و جامعه را درک کنند» (خجسته، ۱۳۸۸: ۶۸؛ هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۴۷-۱۴۸).

پذیرش و رد مدرنیته و پیامدهای آن از بحث‌های رایج دهه‌های پایانی سده نوزدهم تا به امروز جامعه ایران است. از نخستین کسانی که در زمینه پیشرفت و مدرنیته شدن کشور اقداماتی انجام داد، عباس میرزا، نایب‌السلطنه، بود. او ضمن اعزام دانشجویان به اروپا، زمینه برخورد و آشنایی عمیق‌تر و گسترده‌تر با غرب را فراهم آورد. دومین مرحله اصلاحات که ابعاد وسیع‌تری داشت، در بین سال‌های ۱۲۲۶-۱۲۳۰، توسط میرزاتقی‌خان امیرکبیر آغاز شد (آبراهیمیان، ۱۳۷۷: ۷۰). در پی تحولات نظام آموزشی و تأسیس دارالفنون و مدارس سبک نوین در میانه سده نوزدهم میلادی، حلقه جامعه روشنفکری بنیان شد. اگرچه در آغاز، این حلقه محدود به طبقه بازاریان و بازرگانان و فرزندان حکمرانان محلی و فراریان و تبعیدیان ایرانی بود؛ نقش مؤثری در بیداری طبقه متوسط جامعه به خصوص مردم آذربایجان داشت.

«آخوندزاده»، «میرزا آقاخان کرمانی»، «طالبوف» و «میرزا ملکم‌خان» از جمله روشنفکران بودند که تنها راه حل مسائل جامعه ایران را تمدن غربی می‌دانستند. این روشنفکران، مدرنیته را با تمدن غربی برابر می‌دانستند و پذیرش آن، جزء برنامه آنها بود (احمدی، ۱۳۷۳: ۲).

با پیدایش طبقه اجتماعی جدید، توده مردم با حقوق و نیازهای خود بیشتر آشنا شدند؛ و برای آگاهی بیشتر به مطالعه روی آوردند. نثر فارسی نیز از سبک فاضلانۀ خود فاصله گرفت و رو به سادگی گذاشت. همچنین به دلیل نبود جذبۀ در نثر معمولی، نویسندگان به زبان داستان، که گیرایی و جذبۀ بیشتری نسبت به متون نظری و مقاله‌ای داشت، روی آوردند. با توجه به اینکه، رمان نسبت به دیگر انواع ادبیات داستانی، توانایی بیشتری در بازتاب کلیت زندگی انسانی داشت، به صورت جدی در ادبیات فارسی مطرح شد. «روی آوردن به نوع ادبی جدید رمان که در اروپا از بُرایی انقلابی و پیشرو و اصلاح‌طلبانه برخوردار بود، خود می‌توانست پاسخ‌گوی نیازی باشد که در طبقه متوسط جامعه بروز کرده بود و روزبه‌روز رو به افزایش داشت، از این‌رو نوشتن رمان‌هایی به سبک اروپا را می‌توان نوعی تمرین و تجربه نسل متوسط جامعه به سر منزل تجدد و ترقی جامعه دانست» (غلام، ۱۳۷۱: ۱۰۵). از سوی دیگر، گسترش سوادآموزی به‌عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته، جمعیت کتاب‌خوان یا درحقیقت مخاطبان رمان را افزایش داد و با ایجاد بازار کتاب به لحاظ اقتصادی از گسترش رمان حمایت کرد. بدین‌گونه، شکل‌های جدید ادبی از جمله رمان، در پی تحولات ناشی از ظهور مدرنیته و پیدایش طبقه روشنفکر به‌عنوان نتیجه و پیامد آن طلوع کرد.

یکی از عوامل پیدایش رمان در مصر نیز پیدایش طبقه متوسط بورژوازی بود که خواهان آزادی مرد و زن از زیر یوغ سنت‌های قرون وسطایی و خروج از تسلط پدرسالاری در تمامی زمینه‌ها شد. این طبقه نرسیده با خود علائق تازه و اندیشه‌های نو به ارمغان آورد و به تدریج طبقه حاکم بر اجتماع شد و از اهمیت خاصی برخوردار

گشت. بنابراین، وجود فرهنگ بورژوازی به پیدایش و رشد گونه‌های ادبی جدید به ویژه رمان کمک کرد. در ادبیات کهن مصر، همواره طبقه اشراف و دستگاه حاکمه مطرح بودند؛ در حالی که در ادبیات جدید، طبقه عادی مخاطب قرار گرفت و رمان به عنوان یک فرم دلخواه برای ابراز عقاید و مطرح ساختن مسائل و مشکلات این قشر از اجتماع به وجود آمد. تمایل به رئالیسم در بین طبقه بورژوا باعث شد تا از رمان به عنوان حربه‌ای در راه مقابله با مشکلاتی که با آن درگیر بودند، استفاده کنند (واد، ۱۹۷۲م: ۲۱). از جمله رمان‌های رئالیستی که به واقعیت و مداوای مشکلات جامعه روی آورد، رمان «عودة الروح» توفیق حکیم است که در آن اندوه انسان مصری به تصویر کشیده شده است (یاغی، ۱۹۹۹م: ۸۵).

ب) آشنایی با آثار فرهنگی - ادبی غرب و نهضت ترجمه

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، ترجمه‌های فارسی به وضوح در نظام چندگانه فرهنگ ایرانی آن دوران جای گرفت. ترجمه آثار داستانی غربی در پیدایش رمان فارسی (به شیوه اروپایی) نیز، نقشی اساسی یافت. نهضت ترجمه که به پشتوانه مردانی فرهیخته مانند «عباس میرزا» و «قائم مقام» راه خود را یافته بود با مرگ آنها به خاموشی گرایید. تا آنکه بار دیگر، در زمان ناصرالدین شاه و روی کار آمدن امیرکبیر، حیاتی دوباره یافت. «میرزا تفی خان امیرکبیر» ابتدا دارالفنون و در کنار آن، دارالترجمه را تأسیس کرد و این نهاد تا سال‌های سال همچنان گسترش یافت و بزرگ‌تر شد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۵۳/۱). پس از تأسیس دارالفنون، مترجمان ایرانی نخست یک سلسله کتب تاریخی از جمله تألیفات تاریخی «ولتر»، مانند «پترکبیر» و «شارل دوازدهم» و «اسکندر مقدونی» و پس از آن «تاریخ ایران» تألیف «سرجان ملکم» انگلیسی را از روی ترجمه فرانسوی به فارسی ترجمه کردند. سپس به ترجمه و نقل رمان‌های تاریخی و علمی پرداختند و داستان‌های «سه تفنگدار»، «کنت مونت کریستو»، «ملکه مارکو»، «لویی چهاردهم» از آثار «الکساندر دوما»ی پدر و بعد

«تلماک» اثر «فلن»؛ «رایینسون کروزوئه» اثر «دفو»؛ «ژیل بلاس» اثر «لساژ»؛ «کلبه هندی» اثر «برناردن دوسن پیر»؛ «مانن لسکو» اثر «پروو»؛ «مسافرت گالیور»، اثر «سویفت»؛ «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» اثر «جیمز موریه» و بالاخره حتی رمان‌های علمی «ژول ورن» و امثال اینها را به قالب فارسی در آوردند (بالایی، ۱۳۷۷: ۷۷). گفتنی است توجه به متون رمان در فاصله سال‌های وقوع انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان در اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی نسبت به عصر ناصرالدین شاه رو به افزایش گذاشت (همان: ۶۵).

آثار ترجمه شده به‌ویژه رمان‌ها زبان فارسی را به لحاظ نحوی و واژگانی تحت تأثیر قرار داده‌اند. پیامد این ترجمه‌ها ساختار ساده‌تر و همه‌فهم‌تر جملات فارسی است؛ چنان‌که به گفته «آرین‌پور»، اگر این ترجمه‌ها نبودند، نگارش ادبی امروز ما که نزدیک به زبان محاوره و درعین حال دارای زیبایی نثر ادبی اروپایی است، وجود نداشت (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۶۰). همچنین نخستین رمان‌هایی که در زبان فارسی پدید آمده‌اند، همچون نخستین رمان‌های ترجمه شده به فارسی، رمان‌هایی تاریخی هستند. بنابراین، ترجمه علاوه بر تأثیری که بر زبان فارسی گذاشت، به لحاظ انتخاب گونه‌های رمانی نیز بر نویسندگان ما نفوذ بسیار داشته است. علاوه بر آن، «در میان ترجمه‌هایی که صورت می‌گرفت، کتاب‌هایی که از آزادی مردمان کشورهای دیگر سخن می‌گفتند، خواستار بیشتری داشتند؛ و بدین‌سان «سرگذشت تلماک» اثر «فلنون»، در مصر، عثمانی و ایران، آیینة واقعیات جامعه شناخته شد» (بهنام، ۱۳۷۵: ۴۵). هرچندکه، گاه به‌علت دقت نکردن در انتخاب نمونه‌های مناسب از آثار نویسندگان غربی، ترجمه، نتایج زیان‌باری در تکامل رمان فارسی ایجاد کرده است. می‌توان گفت ترجمه آثار ادبی اروپا، به‌مثابه مهم‌ترین عامل احیای ادبیات فارسی نوین، نقش مهمی در شکل‌گیری نوع رمان داشته است (خانلری، ۱۳۲۶: ۱۳۲).

در مصر نیز، آشنایی با فرهنگ غرب و آغاز نهضت، ترجمه نقشی اساسی در پیدایش انواع ادبی جدید، از جمله رمان داشته است. ورود فرانسوی‌ها به این کشور و

فتح قاهره در سال ۱۷۸۹م. باعث شد مردم از پیشرفت علم و تکنولوژی در اروپا آگاه شوند. دانشمندانی که به همراه ناپلئون به مصر آمدند، دیری نپایید که فرهنگستان علوم مصر را به شیوه فرهنگستان علوم فرانسه تأسیس کردند. نیز، حضور آنان در شرق، موجب برانگیخته شدن عرق ملی در میان ملت‌های عرب و مصر شد و ادبیات عرب را تحت تأثیر ادبیات غرب قرار داد؛ تاجایی که اغلب منتقدان، ظهور شکل‌های ادبی جدید از جمله رمان و نمایش‌نامه را به زمان حمله فرانسه به مصر نسبت داده‌اند (القضاء، ۲۰۰۰م: ۳۳). هنگامی که محمدعلی پاشا بر تخت حکومت مصر تکیه زد، گروه‌هایی را برای آموختن دانش‌های جدید به غرب فرستاد. هم‌زمان با آن، جنبش ترجمه در بلاد مصر رواج یافت. در زمان محمدعلی پاشا بیشتر، کتب علمی و نظامی ترجمه می‌شد. اما بعدها همه نوع کتابی را به عربی برگرداندند. آثاری مانند «آندروماک» اثر راسین؛ «بعد از طوفان» (بعد العاصفه) اثر هنری بوردو؛ «پاریس زیبا» (بارسیه الحسنا) اثر کونتس داش؛ «سه تفنگدار» (فرسان ثلاثه) اثر الکساندر دوما و «روکامبول» اثر نبسون دوترای از جمله این آثارند (فرزاد، ۱۳۸۵: ۲۵).

در اواخر قرن نوزدهم موج جدیدی از ترجمه داستان‌های غربی در مصر و لبنان پدید آمد که بیشتر موضوعاتی پیرامون عشق داشت. این ترجمه‌ها در آثار بسیاری از نویسندگان عرب از جمله «سلیم البستانی»، «نقولا حداد»، «لیبه هاشم» و «ظاهر حقی» تأثیر گذاشت (البحراوی، ۱۹۹۶: ۳۸). همچنین، مهاجرانی که آثارشان را در خارج از کشورهای عربی چاپ می‌کردند، در رواج و شکوفایی ترجمه و تألیف، سهم داشتند. آنها به‌نوبه خود سبب ورود ادبیات کشورهای غربی از جمله روسیه و انگلیس به سرزمین‌های عربی به‌ویژه مصر و لبنان شدند. در واقع آنها، کسانی بودند که «تقلید از نمونه‌های غربی را وسیله‌ای برای ارضای ذوق مردم قرار دادند.» (بدر، ۱۹۸۶م: ۵۱)

ج) صنعت چاپ و مطبوعات

اهمیت چاپ در پیدایش و شکوفایی رمان، چندان حیاتی است که تصور رمان بدون

چاپ تاحدی ناممکن است. در ایران پیش از پیدایش صنعت چاپ، تکثیر کتاب‌ها به وسیلهٔ نساخان انجام می‌شد؛ که به دلیل هزینهٔ زیاد و صرف زمان طولانی و سرعت کم، کار نسخه‌برداری با تیراژ بالا امکان‌پذیر نبود؛ و فقط به طبقهٔ دربار و گاه به حاکمان محلی اختصاص داشت. با پیدایش صنعت چاپ، آثار فرهنگی متقدمین، ترجمه‌ها و آثار جدید و پشتیبانی از آموزش در مدارس نوین برای چاپ کتاب‌های درسی کمک کرد تا «تمدنی که قسمت اعظم آن شفاهی بود، هرچه بیشتر نوشتاری» شود (بالایی، ۱۳۷۷: ۱۹). سرانجام اینکه، صنعت چاپ با مهیا ساختن مقدمات ضروری انتقال از فرهنگ و تمدنی نسبتاً شفاهی به تمدنی مکتوب، هم به پرورش نویسندگان و هم به گسترش مخاطبان بسیار کمک کرد. به دنبال ظهور صنعت چاپ، مطبوعات و روزنامه، که سابقه‌ای در ایران نداشت، شکل گرفت. بی‌تردید مطبوعات، در کنار دیگر عواملی که بر ذهنیت سیاسی و اجتماعی مردم تأثیر می‌گذاشت؛ عامل مهمی در آماده‌سازی نثر فارسی برای همه‌فهم‌شدن و عهده‌داری مسئولیت زبان داستانی بوده است. روزنامه‌نویسی به‌طور عمومی و روزنامه‌های خارجی به‌طور ویژه «نثر فارسی را از اوج تصنع بی‌ارزش فنون ادبی، به زمین و زندگی روزانه با همهٔ درماندگی‌ها و پریشانی‌های ملازم با آن فرود آورد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸۲).

اتفاقی نیست که شمار بسیاری از رمان‌نویسان اولیه از میان روزنامه‌نگاران برخاستند. علاوه بر نشریات عمومی، مجلات ادبی نیز تأثیر عمیقی بر پیدایش و تکوین رمان داشتند. «روزنامه‌ها می‌توانستند در نتیجهٔ ابتکارات فردی منتشر گردند، ولی وجود نشریه مستلزم نوعی حیات ادبی سازمان‌یافته و نزدیکی فکری یک گروه بود» (بالایی، ۱۳۷۷: ۴۸). این‌گونه تشکل‌ها و محافل ادبی-فکری، تنها پس از تأسیس چاپخانه، مدارس نوین، نهضت ترجمه و غیره فرصت ظهور یافتند. بنابراین، «تاریخ ادبیات نوین فارسی مستقیماً به دو پدیدهٔ مطبوعات و صنعت چاپ وابسته است. اهمیت چاپ در آن است که پیدایش مطبوعات و درعین حال نشر ادبیات را، از قرن نوزدهم میسر می‌سازد و مطبوعات از این نظر اهمیت دارند که تکیه‌گاه ادبیات

قرار می‌گیرند و در نظام ادبی و به‌ویژه در نوشتار منشور تغییر و تحولات اساسی ایجاد می‌کنند» (همان: ۱۵).

در مصر، صنعت چاپ به دوره حمله ناپلئون مربوط می‌شود. اروپاییان از قرن شانزدهم به چاپ کتاب‌های عربی دست زدند. ترکیه در قرن هفدهم و سوریه در قرن هجدهم کار چاپ را از آنان گرفتند. مصر تا هنگام یورش ناپلئون، چیزی از چاپ نمی‌دانست و در این زمان بود که آن را از فرانسه به کشور خود آورد و در امر انتشارات خود به کار گرفت. پس از فرونشستن حمله ناپلئون، صنعت چاپ در مصر از رونق افتاد؛ تا اینکه محمدعلی بر سر کار آمد و چاپخانه مشهور «بولاق» را به راه انداخت. به تدریج، چاپخانه‌ها رو به گسترش نهادند و در قاهره و اسکندریه و دیگر شهرهای بزرگ مصر از این صنعت استفاده شد. بنابراین پیدایش صنعت چاپ علاوه بر گسترش کتاب و کتاب‌خوانی به ظهور رمان نیز کمک کرد. با روی کار آمدن محمدعلی، روزنامه «الوقایع المصریه» در سال ۱۸۲۸ دایر شد. البته، می‌توان آغاز حرکت جدید را در نگارش نو، اعم از قصه‌نویسی و امثال آن تأسیس این روزنامه دانست (فرزاد، ۱۳۸۵: ۲۵).

د) تأسیس مراکز علمی و مدارس جدید

در ایران نخستین بار «میرزا حسن رشیدی» در تبریز اولین دبستان را تأسیس کرد. او یکی از ملازادگان بود و در جوانی به بیروت رفت و در آنجا دبستان‌ها را دید و شیوه آموزشی آنها را یاد گرفت، و چون به تبریز بازگشت، بر آن شد که دبستانی به شیوه آنها بنیان گذارد. در سال ۱۲۶۷ ش. بود که به این کار پرداخت (کسروی، ۱۳۶۸: ۲۱). با پیروزی مشروطه (۱۲۸۵)، در اکثر شهرها دبستان‌هایی به شکل نوین دایر شد؛ که به افزایش قشر باسواد جامعه و رواج مطالعه و به تبع آن، میل به دانستن و آگاهی توده مردم از تحولات سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی جهان منجر شد. در کنار این دبستان‌ها، دبیرستان دارالفنون در سال ۱۲۶۸، تأسیس شد. محصلان در این

مدارس، زیر نظر اساتید خارجی آموزش می‌دیدند. افق دید آنها نسبت به جهان و واقعیت‌های زندگی اجتماعی باز می‌شد و به ترویج آراء و اندیشه‌های جدید می‌پرداختند. «به طوری که می‌توان گفت تجدّدخواهی و مبارزه با خرافات و موهومات و نشر افکار آزادی‌خواهانه در عصر ناصری تا حدی از برکت تعلیم و تربیت همین طبقه تحصیل‌کردگان دارالفنون بود. و همین مؤسسه سودمند بود، که عمال انقلاب مشروطیت و آن دسته از مأموران دولتی را که رشته کارهای آینده را به دست گرفتند، تربیت کرد» (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۵۸). تسلط دانشجویان دارالفنون به زبان و ادبیات فرانسه در ترجمه‌ها و به تبع آن، رواج نوع خاص از رمان، یعنی رمان تاریخی، نقش مؤثری داشته است. حاصل سخن اینکه، این طبقه براساس نیازهای خود، ادبیات خاص خود را به وجود آوردند؛ که رمان مطرح‌ترین نوع آن است.

بررسی تاریخ معاصر مصر نیز نشان می‌دهد که احداث مراکز و انجمن‌های علمی، نقش سازنده‌ای در تحولات ادبی این منطقه داشته است. پس از ورود فرانسویان به مصر، پیشرفت‌های فراوانی در مصر حادث شد. وقتی محمدعلی حاکم مصر شد و رژیم جدیدی در این کشور پا گرفت؛ مدارس جدیدی تأسیس کرد و دانشجویان فراوانی برای کسب دانش غربی به فرصت‌های تحقیقاتی به غرب گسیل شدند. در همین شرایط بود که جنبش تألیف، جای خود را به جنبش ترجمه داد.

انجمن علمی و تاریخی، عامل دیگری بود که باعث تقویت وجدان تاریخی مصریان شد و همین افزایش پژوهش‌های تاریخی، به ایجاد انجمن‌های علمی دامن زد. چنین انجمن‌هایی در مصر تا قبل از قرن نوزدهم اصلاً وجود نداشت. پژوهش‌هایی که توسط این انجمن‌ها هدایت شد و کتاب‌هایی که این انجمن چاپ کرد بیشتر حول تاریخ مصر در ادوار مختلف بود (الشیال، ۱۳۸۸: ۱۹۱). اولین انجمن از این دست، «انستیتو مصر» بود که ناپلئون در سال ۱۷۹۸م. تأسیس کرد. بیشتر اعضای این مؤسسه دانشمندان فرانسوی بودند که با هدف اشغال مصر به این سرزمین آمده بودند. نتیجه تحقیقات علمی این محققان، مجموعه عظیم و بسیار ارزشمند «توصیف

مصر» است. این مؤسسه در پی خروج فرانسویان از مصر تعطیل شد. مؤسسه مصر، بار دیگر در سال ۱۸۵۹م. در زمان حکومت سعد در اسکندریه افتتاح شد و بعدها به قاهره منتقل گردید. این بار، اعضای مؤسسه، هم دانشمندان اروپایی و هم مصری بودند. این مؤسسه یک بولتن علمی و یک مجله سالانه داشت. هر دوی این نشریه‌ها مقالات فراوانی درباره تاریخ و به‌ویژه تاریخ مصر چاپ می‌کردند.

در زمان محمدعلی، تعدادی از شرق‌شناسان و دانشمندان اروپایی انجمن دیگری را در سال ۱۸۳۵م. به نام «جامعه مصری» در مصر تأسیس کردند. هدف اولیه این انجمن، ساخت کتابخانه‌ای بود که حداکثر کتاب‌های موجود در حوزه‌های مربوط به شرق، جغرافیا، ادبیات، آداب و رسوم شرق و غیره در آن گردآوری شود. شش هفت سال پس از این تاریخ، اهداف و سیاست‌های این انجمن گسترش یافت و چاپ و انتشار کتب مرتبط با شرق، جزئی از سیاست‌های این انجمن شد. بعدها این انجمن، در ربع پایانی قرن نوزده منحل شد و کتابخانه‌اش به توصیه آخرین اعضایش (حکاکیان، بک، کانی بگ و توربورن) در سال ۱۸۷۴م به دارالکتب مصر واگذار شد (همان: ۱۹۲). انجمن دیگر، «جمعية المعارف» بود که در سال ۱۸۶۸م. در زمان حکومت اسماعیل تأسیس شد. این انجمن که به دست عده‌ای از فرهیختگان فرهنگی مصر تأسیس شد، هدفش آن بود که خود را صرفاً معطوف مصر کند. انجمن یادشده تعداد فراوانی از کتب قدیمی عربی در حوزه‌های تاریخ، حقوق و ادبیات را به چاپ رساند. کتاب‌های «سد الغابه» تألیف ابن اثیر؛ «الفتح الوهیبی والمختصر» تألیف ابوالفداء و «تاریخ ابن وردی» از آن جمله است (همان). این انجمن‌ها علاوه بر به‌وجودآوردن آثار تاریخی، در پیدایش آثار ادبی از جمله رمان‌های تاریخی و اجتماعی نقش مهمی داشتند.

مجموع عواملی که به آنها اشاره شد، عرصه را برای پدیدآمدن رمان آماده کرد و سبب شد تا رمان و داستان کوتاه، به‌عنوان انواع ادبی واقع‌گرا، زندگی دنیوی فرد را مرکز توجه خود قرار داده، به‌تدریج در ایران و مصر جایگاه رفیع شعر را اشغال کند.

در مطالعه تطبیقیِ رمان‌نویسی در ایران و مصر، علاوه بر بررسی علل شکل‌گیری رمان در این دو کشور، نکته قابل توجه دیگر، مقایسهٔ رمان‌های آغازین و مضامین آنها و نیز گرایش‌های نویسندگان پیشگام در این دو حوزه فرهنگی است که نتیجه آن، بحث را در این زمینه کامل می‌سازد.

۴. مقایسهٔ رمان‌های آغازین و نویسندگان ایران و مصر

الف) داستان‌ها و رمان‌های آغازین فارسی

نخستین ایرانیانی که رمان و نمایشنامه نوشتند، بیشتر افرادی بودند که با مهاجرت از ایران به کشورهای دیگر، با فرهنگ و ادبیات آن ملت‌ها آشنا شدند و ادبیاتی پدید آوردند که به دلیل انتقاد از ناروایی‌های اجتماعی و سنن خرافی، تفاوت‌های اساسی با ادبیات پیشین داشت. درحقیقت این نویسندگان، آثار داستانی‌ای به‌وجود آوردند که بیانگر دوران تکاملی دیرپا، در نثر فارسی و پیدایش نوع جدیدی از ادبیات بود که تا پیش از آن در ادبیات فارسی وجود نداشت (بالایی، ۱۳۷۷: ۳۷). این آثار در ایجاد دگرگونی و تحول عمیق در ادبیات فارسی، و سوق دادن آن به سوی داستان‌نویسی معاصر، نقش مهمی داشتند؛ که «سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیگ» نوشتهٔ «حاج زین‌العابدین مراغه‌ای» در سه جلد؛ «احمد یا سفینهٔ طالبوف»؛ اثر عبدالرحیم طالبوف؛ «مسالک‌المحسنین» از دیگر تألیف‌های طالبوف؛ «سرگذشت حاجی‌بابا اصفهانی» اثر جیمز موریه انگلیسی، ترجمه «میرزاحبیب اصفهانی» از آن جمله است.

پس از این آثار، در سال‌های پایانی قرن سیزدهم، رمان‌های تاریخی مطرح‌ترین نوع ادبی پدیدار شدند که در آنها به زنده کردن مفاخر تاریخی و برانگیختن احساسات وطن‌پرستانه توجه شد. از جمله این رمان‌ها؛ «شمس و طغرا» نوشتهٔ «محمدباقر میرزا خسروی»، «دام‌گستران» یا «انتقام‌خواهان مزدک» نوشتهٔ «عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی» و «عشق و سلطنت» یا «فتوحات کوروش کبیر» نوشتهٔ «شیخ موسی کبودر آهنگی» است (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۳۰-۴۲). گفتنی است با ظهور رمان‌های

اجتماعی، انتشار این رمان‌ها کم‌کم رنگ باخت. از رمان‌های اجتماعی و احساساتی که نویسندگان آنها با توصیف فحشا، فساد سیاسی و اداری و ناامنی‌های اجتماعی سال‌های پس از مشروطیت و یأس عمومی را منعکس می‌کنند، می‌توان به «تهران مخوف» نوشته «مرتضی مشفق کاظمی»، «روزگار سیاه» نوشته «عباس خلیلی»، «شهرناز» نوشته «یحیی دولت‌آبادی»، «تفریحات شب» و «اشرف مخلوقات» نوشته «محمد مسعود» و «زیبا» اثر «محمد حجازی» اشاره کرد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲۲-۲۴۳). با وجود عرضه شدن این آثار که ادعای نوگرایی و سنت‌شکنی داشتند، نمی‌توان آنها را مبنای آغاز دوران مدرن در ادبیات داستانی ایران تلقی کرد. درحقیقت، آغاز داستان‌نویسی فارسی، هم‌زمان با ظهور نویسندگان پیشگام است.

ب) نویسندگان پیشگام ایران

در دهه‌های آغازین قرن حاضر، نویسندگانی ظهور کردند که به آزمایش مهارت‌های نوینی در داستان کوتاه و رمان دست زدند؛ که ثمره آن دوره جدیدی را در ادبیات داستانی ایران بنیان نهاد. «محمدعلی جمال‌زاده» با آثاری چون؛ مجموعه داستان «یکی بود و یکی نبود» (۱۳۰۰)؛ و رمان‌هایی چون «دارالمجانین» (۱۳۲۰)، «قلتشن دیوان» (۱۳۲۴)، «راه آب‌نامه» (۱۳۲۶) و «سروته یک کرباس» (۱۳۳۳)؛ «صادق هدایت» با داستان‌های بلند «علویه‌خانم» (۱۳۱۲)، «بوف کور» (۱۳۱۵)، «آب زندگی» (۱۳۲۳) و «حاجی آقا» (۱۳۲۴) و داستان‌های کوتاه چون «زنده‌به‌گور»، «سه قطره خون» و «فردا»؛ «بزرگ علوی» با مجموعه داستان‌های «چمدان» (۱۳۱۳)، «ورق‌پاره‌های زندان» که پس از آزادی‌اش از زندان منتشر شد و رمان «چشم‌هایش» (۱۳۳۰) و «صادق چوبک» نیز با مجموعه داستان کوتاه «خیمه‌شب‌بازی»، «انتری که لوطیش مرده بود»، «چراغ آخر»، «روز اول قبر» و همچنین رمان‌های «تنگسیر» و «سنگ صبور» از جمله این نویسندگان بودند.

ج) داستان‌ها و رمان‌های آغازین مصر

مصر، فعال‌ترین کشور عربی در زمینه داستان‌نویسی نو است. در حالی که، مدت‌ها داستان‌نویسی در این کشور براساس الگوهای قدیمی بود، با تحولات جدید، داستان‌نویسی از قیدوبندهای قراردادی و کهن، خود را رها ساخت. داستان «زینب» را نخستین تلاش یک نویسنده جوان مصری و اولین سنگ بنای ادبیات نو داستانی مصر به‌شمار می‌آورند (ناظمیان، ۱۳۷۱: ۲۳). با وجود این، ادبیات مصری دارای شیوه‌های داستانی خاص است که سابقه آن به قرون گذشته این کشور برمی‌گردد. این شیوه‌های نوین عرب، به چهار دوره تفکیک‌پذیر است: دوره نخست، دوره ترجمه است و مصر صحنه اولین حرکت‌های ترجمه در جهان عرب بوده است. «رفاعه طهطاوی» را باید پیشرو حرکت ترجمه دانست. در دوره دوم کوشش شده تا از داستان‌های اروپایی تقلید شود؛ از جمله افرادی که در بالابردن سطح داستان در این دوره پیشتاز بودند، از «توفیق الحکیم» در ترجمه‌های «رومئو ژولیت» و «حافظ ابراهیم» در ترجمه «بینوایان» نام برده می‌شود. طی این دوران، برخی از داستان‌های مستقل نیز به چشم می‌خورد. دوره سوم که دوره خلاقیت است، نویسندگان توانستند به تکنیک داستان‌نویسی روی آورند. در این دوره، داستان‌های «زینب» اثر «محمدحسین هیکل»، «بای والایام» اثر «طه حسین» و داستان‌های «توفیق الحکیم» تألیف شد. دوره چهارم که از دهه چهارم قرن ۲۰م. آغاز شده، چهره‌های جدیدی در عرصه داستان‌نویسی عرب پدیدار شد. از پیشگامان این عصر، «نجیب محفوظ» در مصر است (کسمایی، ۱۳۶۷: ۷).

به‌طور کلی، دو جریان عمده از ادبیات عرب را می‌توان در «گرایش تاریخی» و «گرایش اجتماعی» پی گرفت. ظلم و ستم عثمانی‌ها و ترکان‌های آنان که با قتل و غارت همراه بود، توده‌های محروم جامعه را به استضعاف و بی‌خبری و نومیدی سوق داده بود. روشنفکران عرب با در دست داشتن سلاح مطبوعات، بر آن شدند با آگاه کردن توده‌ها، آنان را علیه ستمگران عثمانی بشورانند. بنابراین، نخست اعراب را

به سوی نوعی بازگشت به خویشتن کشانیدند، تا احساس حقارت و عادت به ستم‌پذیری را در آنان از بین ببرند. گفتنی است، قصه‌های این دوره، تاریخ را با ارائه الگوهای اخلاقی والا و رشادت‌ها بازگو می‌کرد. «سلیم‌البستانی» با نوشتن قصه «ملکه زنوبیا»، «سرگشتگی در بلاد شام» و قصه‌های «سلمی» و «آسماء» که از نظر فنی بر «تصادف» و «اغراق» استوار است، پند و اندرز مستقیم می‌دهد؛ «جرجی زیدان» با تألیف بیست‌ویک قصه تاریخی همچون «ابومسلم خراسانی»، «دوشیزه قریش»، «شارل و عبدالرحمان»، «عروس فرغانه»، «صلاح‌الدین ایوبی»، «زیبای کربلا»، «عباسه و جعفر برمکی»، «حجاج یوسف»، «احمدبن طولون» و... که بسیاری از آنها به زبان فارسی ترجمه شده است؛ و «فرح‌أنطون» و «نقولا حداد» (۱۸۷۲-۱۹۱۶م). از جمله کسانی بودند که نوشتن این نوع قصه‌ها را دنبال کردند.

نویسندگان معروف و سرشناسی چون توفیق‌الحکیم، محمود تیمور یا حتی نجیب محفوظ، عمده داستان‌های پیش‌ازکودتای/انقلاب ۱۹۵۲مصر را نوشته‌اند. داستان‌های مربوط به دوران پس‌ازانقلاب را بیشتر ادیبان یا نویسندگان جوان و گمنام نوشته‌اند. مهم‌ترین وجه تمایز آنان با نویسندگان نسل قبل، حاکمیت برخی از اندیشه‌های پوچ و بیهودگی و سرگردانی و نافرجامی است که تا حدودی می‌توان آن را ناشی از نافرجامی ناسیونالیسم عربی و شکست برخی طرح‌های سیاسی ناصر یا نفوذ برخی مکتب‌های بیهودگی و پوچ‌گرایی غرب به مصر دانست (کسمایی، ۱۳۶۷: ۷).

د) نویسندگان پیشگام مصر

«طه حسین»؛ که در سال ۱۸۸۹م. در مصر به دنیا آمد، در همان کودکی بینایی خود را ازدست داد. او در فرانسه، در رشته ادبیات و فلسفه به مطالعه پرداخت و با ادبیات معاصر آنان آشنا شد. او در ادبیات به‌ویژه نقد ادبی، از مستشرقین و استادان اروپایی و آمریکایی متأثر بود که آن را در مسئله جنجال‌برانگیز انتقال، شاهد بودیم. «ذکر ابی‌العلاء» رساله دکتری‌اش در دانشگاه مصر، «ابن خلدون و فلسفه‌الاجتماعیه» رساله

دکتریش در سوربن فرانسه، «حدیث الاربعاء»، «فی ادب الجاهلی»، «حافظ و شوقی» و «الایام» از جمله آثار اوست. کتاب اخیر زندگی‌نامه خود اوست که از آثار ادبی جهان شمرده می‌شود و به چند زبان ترجمه شده است. او سال ۱۹۷۳م. وفات یافت. او را ستون ادبیات معاصر می‌دانند (عبدالجلیل، ۱۳۷۶: ۳۰۰-۳۰۱؛ گیپ، ۱۳۷۱: ۵۱).

«مصطفی لطفی منفلوطی» در سال ۱۸۷۶م. در منفلوط به دنیا آمد و در قاهره به دانشگاه الأزهر رفت و در آنجا به مطالعه دین و ادبیات پرداخت. و در مجله «المؤید» به مقاله‌نویسی پرداخت و در پایان به وزارت علوم راه یافت. او در سال ۱۹۲۷م. وفات یافت (الفاخوری، ۱۳۸۸: ۳۰۶). «منفلوطی یکی از شاخص‌ترین داستان‌نویسان ضد استعمار در مصر به‌شمار می‌رفت... نوشته‌های او در ایجاد بیداری ملی در مصر، در نتیجه بازشناسی فرهنگ بومی و ستیزه با فرهنگ غربی، جایگاهی ویژه دارد» (فرستی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). آثار وی، برخی تألیف و برخی ترجمه هستند. منفلوطی، کتاب «النظرات» را در سه جلد نوشت که مجموعه‌ای از مقاله‌های او در «المؤید» بود. کتاب «العبرات»، شامل داستان‌هایی است که آنها را یا ترجمه کرده یا در ترجمه دیگران تغییراتی داده است. از دیگر کارهای برگردان او «فی سبیل التاج» اثر فرانس کویه و «تحت ظلال الزیفون» اثر «آلفونس کار» است (همان: ۳۰۷).

«محمدحسین هیکل» در سال ۱۸۸۸م. در مصر به دنیا آمد. فعالیت‌هایش را در ادبیات، دین و سیاست آغاز کرد. او را به خاطر داستان «زینب»، اولین داستان‌نویس به سبک جدید معرفی می‌کنند. هیکل تنها یک رمان‌نویس نیست؛ بلکه در زمینه تاریخ، نقد ادبی و فلسفه، مقالات بسیاری نوشته است. از جمله کارهای او، تأسیس روزنامه «السیاسه» است. آثار بزرگ او عبارتند از: «فی اوقاف الفراغ»، «تراجم مصریه و غریبه»، «ثورة الادب»، «ولدی» و «حیة محمد» (گیپ، ۱۳۷۱: ۵۲).

«مازنی» در سال ۱۸۹۰م. متولد شد. او نیز از نویسندگان بزرگ مصری است که تحت تأثیر فرهنگ «آنگلاساکسون» بود. وی با طنزی که در زبان عربی کمابیش تازه است و با شیطنتی بسیار پُر آشوب، چندین مقاله در نقد ادبی و هنر انتشار داده است.

از داستان‌های مهم او «ابراهیم‌الکاتب» است که سعی در ایجاد یک نوع داستان مصری دارد. «الشعر و غایته»، «حصادالهشیم»، «قبض‌الریح»، «صندوق‌الدنیا» «فی‌الطریق» و «الدیوان» از آثار اوست (عبدالجلیل، ۱۳۷۶: ۳۰۲).

«محمود تیمور»؛ به سال ۱۸۹۴م. در مصر به دنیا آمد. از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۳م. سیر درازی در داستان کوتاه پیمود و مجموعه‌هایی نوشت. «الشیخ جمعه» و «الشیخ سیدالعبیط» از جمله آثار اوست که به زبان فرانسه ترجمه شده است (شنطی، ۱۹۹۲م: ۳۲۳-۳۲۴). وی توانست جایزه سپاس دولت مصر را از آن خود کند؛ و در سال ۱۹۵۰م. عضو فرهنگستان مصر شود و پرچم داستان کوتاه را در مصر به اهتزاز درآورد؛ همان‌طور که «نجیب محفوظ» در رمان و «توفیق حکیم» در نمایشنامه آن را به اهتزاز دروردند (غنیمی، ۱۳۷۳: ۱۳۰).

«نجیب محفوظ» (۱۹۱۱-۲۰۰۶م) نیز از بزرگ‌ترین نویسندگان و داستان‌نویس مصری است که موفق شد جایزه نوبل ۱۹۸۸م. را از آن خود کند. او، داستان‌نویسی عربی را در سطح جهان مطرح ساخت. شهرت وی چنان است که «پائولو کونلیو» نویسنده معروف برزیلی گفته است داستان معروفش «کیمیگر» را تحت تأثیر داستان «رحله ابن فطومه» نجیب، نگاشته است (السلماوی، ۱۳۸۷: ۹). نجیب، بیش از ۶۰ سال سابقه نویسندگی داشت و مجموعه آثار او به تنهایی به اندازه حجم تمام رمان‌های مطرح فارسی در ۵۰ سال اخیر است. تاکنون ۴۶۰ نوبت از آثار او به بیش از سی زبان دنیا منتشر شده است. از آثار مشهور او می‌توان به کتاب‌های «الثلاثیه»، «قصرالشوق»، «زقاق‌المدق»، «اولاد حارتنا»، «الص والکلاب»، «الشحاذ و میرامار» اشاره کرد.

با مقایسه رمان‌های آغازین فارسی و عربی می‌توان نتیجه گرفت که در هر دو کشور، پس از ترجمه داستان‌ها، ابتدا رمان‌های تاریخی و سپس رمان‌های اجتماعی تألیف می‌شود. از ویژگی‌های فکری مشترک رمان‌ها در دوره تکوین این نوع ادبی در هر دو کشور، می‌توان از توجه به ناسیونالیسم و میراث ملی یاد کرد. نویسندگان هر دو سرزمین، پس از گذراندن مرحله تقلید از غرب، به خلاقیت و تجربه شیوه‌های نوین

داستان‌نویسی روی آورده‌اند.

نتیجه بحث

رمان به شیوهٔ امروزی آن در ایران و مصر، کمابیش هم‌زمان و در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم به وجود آمده است. به دلیل شرایط یکسان سیاسی-اجتماعی و شروع نهضت‌های تجددخواه، عوامل مشترکی در پیدایش رمان‌نویسی در هر دو کشور نقش داشته‌اند. از موجبات و مقدمات مشترک پیدایش این نوع ادبی در ادبیات فارسی و عربی، می‌توان به ورود صنعت چاپ، تأسیس مطبوعات، پیدایش طبقهٔ متوسط، تأسیس مدارس و مراکز علمی جدید، ترجمه از زبان‌های اروپایی و آشنایی با آثار غربی اشاره کرد. پس از ترجمهٔ داستان‌ها، ابتدا رمان‌های تاریخی و سپس رمان‌های اجتماعی تألیف می‌شود و ناسیونالیسم و میراث ملی از موضوعات محوری رمان‌ها در دورهٔ تکوین این نوع ادبی در هر دو کشور به‌شمار می‌رود.

همان‌گونه‌که نویسندگانی مانند محمدعلی جمال‌زاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک و... از داستان‌نویسان بزرگ و پیشگام ایرانی محسوب می‌شوند، در مصر نویسندگانی چون طه حسین، مصطفی لطفی منفلوطی، محمدحسین هیکل، مازنی، محمود تیمور و «نجیب محفوظ» از پیشگامان و مشهورترین داستان‌نویسان مصری به‌شمار می‌روند.

کتابنامه

آبراهیمیان، پرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی. چ دوم.

آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۹). *از صبا تا نیما*. جلد ۱. تهران: نشر زوار.

احمدی، بابک. (۱۳۷۳). *مدرنیته و اندیشهٔ انتقادی*. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.

بالایی، کریستف. (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*. ترجمه مهوش قدیمی و نسرین دخت خطاط. تهران: نشر معین. چاپ اول.

- برادبری، مالکام. (۱۳۷۴). *رمان چیست؟*. ترجمه محسن سلیمانی. تهران: نشر نی. چاپ سوم.
- بورنوف، رولان؛ اوئله، رئال. (۱۳۷۸). *جهان رمان*. ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: نشر مرکز.
- بهنام، جمشید. (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشهٔ تجدد*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز. چاپ دوم.
- خانلری، پرویز (۱۳۲۶) «نثر فارسی در دورهٔ اخیر»، در *نخستین کنگرهٔ نویسندگان ایران*. تهران: مؤسسهٔ روابط ایران و شوروی.
- خجسته، فرامرز. (۱۳۸۸). «پیدایش و تکوین رمان فارسی»، *تاریخ ادبیات فارسی*. شماره ۳/۵۹، صص ۶۱-۸۹
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۶). *پیدایش رمان فارسی*. شیراز: انتشارات نوید. چاپ اول.
- سلماوی، محمد. (۱۳۸۷). *ایستگاه آخر*. ترجمه اعظم السادات میرقادری. تهران: نشر و پژوهش دادار. چاپ اول.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۸). *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما*. ترجمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی.
- الشکری، غدوی. (۱۳۸۶). *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران*. تهران: انتشارات نگاه. چاپ اول.
- الشیال، جمال‌الدین (۱۳۸۸) «تاریخ نگاری مصر در قرن نوزدهم»، ترجمه غلامحسین نوعی، *فصلنامهٔ تاریخ اسلام*. سال دهم، شمارهٔ مسلسل ۳۷، صص ۱۸۷-۲۲۴
- عبدالجلیل، ج.م. (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: نشر امیرکبیر. چ سوم.
- غلام، محمد. (۱۳۷۱). *رمان تاریخی*. تهران: نشر چشمه. چاپ اول.
- غنیمی هلال، محمد. (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)*. ترجمه و تعلیق مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۸). *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: نشر توس. چ هشتم.
- فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۵). *تاریخ ادبیات عرب (به زبان عربی)*. تهران: نشر سخن. چاپ پنجم.
- فرستی جویباری، رضا؛ رحیمی دون، فاطمه (۱۳۹۰) «مقایسهٔ دیدگاه جلال احمد و مصطفی لطفی منفلوطی در زمینهٔ روشنفکری و غربزدگی»، *فصلنامهٔ مطالعات ادبیات تطبیقی*. دانشگاه آزاد جیرفت. سال پنجم، شمارهٔ ۲۰، صص ۱۰۱-۱۱۶.
- کادن، جی. ای. (۱۳۸۰). *فرهنگ ادبیات و نقد*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر شادگان.

- کسروی، احمد. (۱۳۶۸). *تاریخ مشروطه*. تهران: نشر سپهر. چاپ شانزدهم.
- کسمایی، علی اکبر (۱۳۶۷) «نقش نجیب محفوظ و نویسندگان جوان مصر در انقلاب ۱۹۵۲»، *اطلاعات*. ۱۹ آبان، ص ۷.
- کوندرا، میلان. (۱۳۶۶). *هنر رمان*. تهران: انتشارات قطره. چاپ اول.
- گیپ، هامیلتون. (۱۳۷۱). *ادبیات نوین عرب*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات اطلاعات. ج دوم.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۳). *صدسال داستان‌نویسی در ایران*. تهران: نشر چشمه. چاپ سوم.
- ناظمیان، رضا (۱۳۷۱) «درآمدی بر داستان‌نویسی نو در مصر»، *کیهان فرهنگی*. شماره ۹، سال نهم، آذر، صص ۲۳-۲۴.
- نفیسی، آذر. (۱۳۸۰). *رمان و رمان‌نویسی در ایران*. تهران: نشر گفتار. چاپ دوم.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). *سازمان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم. چاپ اول.

کتابنامه عربی

- البحراوی، ابراهیم. (۱۹۹۶م). *محتوی الشكل فی روايه العربيه*. قاهره: الهيئه المصريه.
- بدر، عبدالمحسن طه. (۱۹۸۶م). *تطور الروايه العربيه الحديثه فی مصر*. ط ۲. مصر: دارالمعارف.
- شنطی، محمد صالح. (۱۹۹۲م). *الادب العربی الحديث؛ ط ۱*. قاهره: انتشارات دارالأندلس.
- القضاء، محمداحمد. (۲۰۰۰م). *التشکیل الروائی عند نجیب محفوظ*. قاهره: المؤسسة العربيه للدراسات و النشر.
- وادی، طه. (۱۹۷۲م). *مدخل الی تاریخ الروايه المصريه ۱۹۰۵-۱۹۵۲*. قاهره: مکتبه النهضه المصريه.
- یاغی، عبدالرحمان. (۱۹۹۹م). *الجهود الروائيه من سلیم‌بستانی الی نجیب محفوظ*. بیروت: دارالفارابی.